

دریچه

۶درصد ایرانیان تجربه مصرف الکل دارند

● **شرق:** مدیر کل حوزه ریاست سازمان پزشکی قانونی ضمن بیان آنکه شیوع مصرف و اختلال الکل در کشور حدود یک درصد است، اظهار کرد: ۰۰۷ درصد این افراد دچار وابستگی و ۰۰۳ درصد آنان دچار سوءمصرف الکل هستند. همچنین استان‌های تهران، البرز، اصفهان، لرستان و کرمانشاه بیشترین مصرف الکل را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل بوشهر، سیستان‌و بولوچستان، چهارمحال‌و بختیاری و مرکزی نیز براساس آمارهای سال ۱۳۹۰ کمترین مصرف را در حوزه الکل دارند.
محمدرضا قدیرزاده در سوئمن سمینار علمی «سوءمصرف و اعتیاد به الکل از دیدگاه طب بالینی و قانونی»، اظهار کرد: درحال‌حاضر هیچ آماری درباره شیوع و میزان مصرف الکل در کشور نداریم و آمارهای پزشکی قانونی نیز فقط به آمار مسمومیت‌ها و مرگ‌ومیر ناشی از مصرف الکل ارتباط دارد. وی ادامه داد: خوشبختانه ایران در میان سایر کشورهای مسلمان عضو WHO در مصرف مشروبات الکلی وضعیت بهتری دارد.
مدیر کل حوزه ریاست سازمان پزشکی قانونی در ادامه ضمن بیان آنکه متأسفانه آنچه در جامعه درباره مصرف مشروبات الکلی می‌بینیم، آن چیزی نیست که آمارها به ما می‌گویند، عنوان کرد: به‌تازگی برای اولین‌بار از سوی وزارت بهداشت اعلام شده الکل هم یکی از فاکتورهای بیماری‌های غیرواگیر است، این در حالی است که الکل نیز مانند مواد مخدر جزء غلظت بیشتری داشته باشد، خطر بیشتری نیز به دنبال دارد. او در ادامه به شاخص «مصرف سنگین دوره‌ای» اشاره کرد و گفت: شاخص مصرف سنگین دوره‌ای در دنیا ۶٫۳ درصد است؛ اما بنابر آمارهای غیرسریمی، این شاخص در کشور ما ۱۹ درصد است؛ یعنی فردی که در ایران مشروب‌خور می‌کند نسبت به افراد دائم‌الخمر در کشورهای اروپایی سه برابر بیشتر الکل مصرف می‌کند. وی در ادامه به آمار مرگ‌ومیر ناشی از مصرف الکل ارجاعی به پزشکی قانونی از سال ۸۹ تا ۹۳ اشاره کرد و گفت: سال ۸۹، ۱۴۵ مورد، سال ۹۰، ۹۳ مورد، سال ۹۱، ۱۳۶ مورد، سال ۹۲، ۱۳۵ مورد و سال ۸۱، ۹۳ مورد مرگ‌ومیر ناشی از مصرف الکل ارجاعی به پزشکی قانونی در کشور داشته‌ایم. مدیر کل حوزه ریاست سازمان پزشکی قانونی در ادامه به ماجرای مصرف الکل در شهرستان رفسنجان اشاره کرد و گفت: در پی حادثه مصرف الکل در شهرستان رفسنجان و اعلام وزارت بهداشت درباره مراجعه این افراد به بیمارستان‌های شهر، شاهد آن بودیم که افراد مصرف‌کننده بسیار مضطرب به بیمارستان‌های رفسنجان آمده و ICU شهر رفسنجان به‌طور کامل پر شده بود و با وجود آنکه اقدامات سریعی انجام شد؛ اما ۱۲ نفر در پی این حادثه فوت شدند. وی ادامه داد: متأسفانه به علت آنکه افراد مصرف‌کننده مشروبات الکلی در ایران میزان وابستگی‌شان به این مواد افزایش می‌یابد، افراد ارانه‌کننده این مشروبات در بیش از ۶۰ الی ۷۰ درصد آنها متادون، ترامادول و دیازپام اضافه می‌کنند به همین دلیل فردی که به دیازپام را نیز دریافت می‌کند، مدیر کل حوزه ریاست سازمان پزشکی قانونی در ادامه به سه تصادف پرحاشیه سال گذشته در کشور اشاره کرد و گفت: در سه تصادف پرحاشیه پورشه و BMW در تهران و یک دستگاه پرادو با سه سرنشین در اصفهان، تست الکل راننده هر سه خودرو مثبت بوده است.
قدیرزاده در ادامه به ماجرای مرگ یک ورزشکار، اشاره کرد و گفت: متأسفانه در حال‌حاضر مصرف مشروبات الکلی هم‌زمان با داروهای مخدر اعم از ترامادول را در کشور شاهد هستیم که خطرات زیادی را به‌دنبال داشته و باعث مرگ فرد می‌شود که آخرین قربانی آن نیز یک ورزشکار است. مدیر کل حوزه ریاست سازمان پزشکی قانونی در ادامه به قتل‌های ناشی از مصرف الکل اشاره کرد و گفت: به‌تازگی شاهدی قتل دختر بچه شش‌ساله افغانی توسط یک پسر ۱۷ساله بودیم و متأسفانه قاتل ستایش از ۱۲سالگی مشروب مصرف می‌کرده و مصرف مداوم داشته و هنگام مصاحبه با وی متوجه شدیم که هم‌زمان ترامادول نیز مصرف می‌کرده است.
قدیرزاده ادامه داد: مصرف مشروب، ترامادول و مواد مخدر به‌طور هم‌زمان علت مرگ‌های ناگهانی و قتل‌های ناشی از مصرف الکل است.

● **فارس:** رئیس شورای عالی استان‌ها گفت: پنجشنبه هفته گذشته طرح کاهش اعضای شورای استان‌ها بعد از دو سال بررسی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تصویب شد که براساس این طرح اعضای شورای استان تهران از ۳۱ نفر به ۲۱ نفر کاهش می‌یابد.
مهدی چمران با بیان اینکه شورای عالی استان‌ها رفع خلاهای قانونی را پیگیری می‌کند، اظهار کرد: کمبودها و مشکلات استان‌های مختلف کشور در این شورا بررسی شده و لایحه‌های لازم برای تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان به آنها ابلاغ می‌شود.وی اضافه کرد: پنجشنبه هفته گذشته طرح کاهش اعضای شوراهای استان‌های کشور بعد از دو سال بررسی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تصویب شد که براساس این طرح اعضای شورای استان تهران از ۳۱ نفر به ۲۱ نفر کاهش می‌یابد.

● **فارس:** رئیس شورای عالی استان‌ها گفت: پنجشنبه هفته گذشته طرح کاهش اعضای شورای استان‌ها بعد از دو سال بررسی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تصویب شد که براساس این طرح اعضای شورای استان تهران از ۳۱ نفر به ۲۱ نفر کاهش می‌یابد.

ادامه از صفحه ۱۶

کاس می‌شود این‌طور گفت **معیدفر:** بله، یعنی در حقیقت ما خوبی‌های دنیای مدرن را نگرفته‌ایم، ولی بدی‌های آن را گرفته‌ایم.

کآیا شما هم این‌طور آقای معیدفر را قبول دارید؟ **طلایی:** اخیراً در سفری که به اصفهان داشتم، دیداری با مدیران و استاندار و مدیرکل اجتماعی استان و معاون جوانان اداره ورزش و جوانانش و دو، سه سازمان مردمنهاد داشتم و به یک منطقه حاشیه‌نشین اصفهان رفتم. دیدم که نقش اصلی کمک به آسیب‌ها در آن منطقه، برعهده همین سازمان‌های مردمنهاد جوانی است که ما اصلاً روی آنها حساب نمی‌کنیم. همان خانمی که مدیر آن مرکز بهزیستی بود، به ما می‌گفت خدماتی که این جوانان برای طلاق و اعتیاد می‌دهند، بسیار تأثیرگذار است، چون مهم‌ترین مشکل آنها بی‌کاری، طلاق و اعتیاد بود. اگر بتوانیم از این تجربه جهانی استفاده کنیم و به سمتی برویم که سازمان‌های مردمنهاد را هدایت کنیم و دولت حمایت مالی و معنوی کند، اینها بهتر از دولت عمل می‌کنند.

کبه نظر شما که در دولت هستید، چرا تا الان این اتفاق نیفتاده است؟

طلایی: چون ساختار کشور ما این است که ما دولت بزرگ داریم و مردم کوچک. خیلی روشن است، ما پول نفت داریم، این مشخص است و نیاز به بحث ندارد. ما به خاطر آن ساختار قدیمی و تاریخی‌مان دولت بزرگ داریم، بعد هم مسئله نفت و اینکه تحول ساختاری را متناسب با پیشرفتی که در دنیا شده انجام ندادیم؛ ما به سمتی نرفتیم که دولت‌مان را کوچک کنیم و مردم را بزرگ؛ مردم تصمیم‌گیر، تعدادشان و نقش‌شان را بیشتر و بزرگ‌تر کنیم و دولت را کوچک. دولت بشود سیاست‌گذار و حمایت‌کننده. این کاری است که در دنیا تجربه شده است. ما باید به این سمت برویم. هیچ راهی غیر از این نداریم. نه برای بحث آسیب‌ها، بلکه برای همه مسائل‌مان.

کالبته موضوع سازمان‌های مردمنهاد اتفاق جدیدی نیست، از دولت اصلاحات، شروع به فعالیت کردند و حالا حدود ۲۰ سال می‌شود که فعال‌اند!

طلایی: درست است، ولی نشد.

کچرا شد که نشد؟

معیدفر: اشکال، اساساً در رویکرد است. اتفاقاً من در این زمینه دو بحث دارم که به این موضوع کمک می‌کند؛ یکی اینکه وقتی می‌گویم آسیب اجتماعی، مستقیم داریم تأکید می‌کنیم که جنس این مسئله اجتماعی است. به عبارت دیگر وقتی ما درگیر این مسئله یا این آسیب می‌شویم که جامعه در کارکردهایش، در مداخله‌اش و در مسئولیتی که داشته اعمال می‌کند؛ یعنی ما کاری کرده‌ایم که جامعه و آدم‌ها بی‌مسئولیت شده‌اند، احساس بی‌کاری می‌کنند. در نتیجه این باعث شده افراد طرد شوند، یعنی مثلاً من احساس مسئولیتی در برابر دیگری ندارم، اما پیامبر (ص) فرمود: «لکلم راع و لکلم مسول عن رعیت»؛ یعنی همه شما مسئول هستید در مقابل آنچه می‌گذرد. این‌قدر ما در فرهنگ و دینمان تأکید داریم، اما خدومان امروز کاری کردیم، شهری ساختیم، جامعهای ساختیم که همسایه از همسایه بی‌خبر باشد. کارمند از کارمند بی‌خبر باشد.

از این شکل از جامعه و شهر... بیشتر ناشی و متأثر از تجربه جهانی نیست؟

معیدفر: نه، اتفاقاً آنجا درست است که نوعی فردگرایی شکل گرفته، ولی در کنار آن عرصه‌ای برای تعاملات اجتماعی، به شکل‌های دیگر به وجود آمده است. مثل حزب، صنف، انجمن‌ها و نهادهای بسیار مختلف، خیره‌های متعدد و انواع و اقسام اینها، جایگزین ساختارهای قبلی اجتماعی شدند؛ یعنی آدم‌ها ممکن است در حالت عادی خیلی به یک‌دیگر نداشته باشند، ولی اینها هر کدام‌شان در چند سازمان مدنی عضو هستند و کار می‌کنند؛ کار داوطلبانه.

ک شما معتقدید احساس مسئولیت در جامعه ما کشته شده؟ این را با قطعی می‌گویید؟

معیدفر: نه منظور من این است که ضعیف شده، ولی جابجایی هستند، همین‌ان را در برخی شهرها مثل اصفهان و جاهای دیگر، خیره‌ها بسیار گسترده فعالیت می‌کنند، کمک‌های مردمی را جمع می‌کنند، در عزاداری‌ها و جاهای دیگر و این کمک‌ها را به ایتم یا به زنان سرپرست خانوار می‌دهند.

کخودجوش هم هست.

طلایی: البته حمایت دولت را دارند. باید این تعامل و این خواست در سیستم مدیریتی کلان کشور باشد که بخواهد اینها را تقویت کند، به آنها میدان بدهد. **معیدفر:** نکته دوم هم اینکه همیشه یک بحث بود که چرا خداوند یکی را معلول آفریده و آن دیگری را با فلان مشکل. به نظر من وقتی اصل خلقت را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم، تمام اینها اتفاقات محتملی است برای اینکه انسان‌ها به هم بیوندند. به عبارتی اگر در جامعه بشری، این خلاها و این مشکلات نبود، آدم‌ها از سرنوشت هم کلاماً بی‌خبر بودند و هیچ کاری به هم نداشتند. اگر همه ما هیچ مشکل و گرفتاری‌ای نداشتیم به هم کمک نمی‌کردیم، ارتباطات اجتماعی به‌وجود نمی‌آمد، جامعه این‌قدر قدرتمند نمی‌شد.

کچونکian: وقتی توسعه می‌خواهد در جامعه‌ای رخ دهد، همراه با خودش کارکردهای ناخواسته هم دارد. آسیب‌ها معمولاً جزء آن دسته از موارد است. یعنی وقتی شما می‌خواهید سدی را بسازید، خودبه‌خود مجبور می‌شوید تعدادی از خانواده‌ها را جابه‌جا کنید، تعدادی از زمین‌ها زیر آب می‌روند. خودبه‌خود، آب بعضی از قسمت‌ها کم می‌شود و بعضی زیاد می‌شود.

جامعه

جوانان حاشیه‌نشین درمتن تبعیض



دربرابر قوانین هم من قبول دارم در خیلی از موارد نیاز به اصلاح وجود دارد.

کچونکian: نحوه برنامه‌ریزان آن جامعه باشند که هم‌زمان با این آسیب‌ها شناسایی کنند و برای آن، برنامه‌های مختلف ارائه دهند. از این منظر اگر جامعه به خودش باشد، چنان‌که در دهه‌های گذشته بوده، حتی سازمان‌های مردمنهادی که قرار بوده بپایند و جامعه را برای برخی مسائل بسج کنند، رفتند به قسمت خاصی پرداختند. مثلاً در بحث آسیب‌ها، به سمت پیشگیری نرفته‌اند. دنبال درمان رفته‌اند. یا رفتند سراغ جاهایی که گردش مالی داشته. اگر ما قرار است کاری انجام دهیم، باید برنامه‌ریزان و اندیشمندان جامعه به اینها توجه کنند و آنها را شناسایی کنند که در کدام قسمت‌ش، نیاز به چه ابزارهایی هست که رفع شود. از این منظر، ما کارهایی را در وزارت کشور حداقل در دو سال اخیر شروع کردیم، که البته از گذشته هم قبیله‌ای داشته و الان خیلی سرعت داده شده که بخش قابل توجهی از این آسیب‌ها را مهار می‌کند، یکی از این بحث‌های مطرح، همین بحث حاشیه‌نشینی است که تصمیم بر این گرفته شد که ما باید آنها را به رسمیت بشناسیم و زندگی‌شان را به زندگی استاندارد نزدیک کنیم.

کبه نظرآنان، این ایده به برنامه‌ها احتمالاً باعث نمی‌شود بر این مناطق حاشیهای افزود شود، چون ممکن است کسانی دیگر ببینند حاشیه‌نشینان قبلی به رسمیت شناخته شده‌اند، بگویند ما هم برویم اضافه شویم به این امید که آنها هم پذیرفته شوند و همین‌طور مناطق زیادتر شود؟

کچونکian: درست است اصلاً مراکز جمعیتی، یک موجود زنده است و هر روز رشد می‌کند. بعضی جاها مثل روستاها چپ‌ساکوچک می‌شوند و بعضی جاها مثل شهرها بزرگ می‌شوند. بنابراین هم‌زمان با این باید برنامه داشت، هم‌زمان با این رصد کرد و هماهنگی‌ها را انجام داد. برای این منظور، ما تقریباً همه دستگاه‌های دولتی را بسیج کرده‌ایم، اولاً که این ذهنیت در همه مسئولان جا بیفتد که این آسیب‌ها وجود دارند. این خیلی مهم بود که همه بدانند آسیب‌هایی در کشور ما هست و در حال رشد است.

کسیستم دولتی در ایران – دولت به معنای کلی منظور است نه یک دولت خاص – از چه زمانی پذیرفتند آسیب اجتماعی، یک مسئله اجتماعی بگیریز و جدی است و باید دنبال آن برویم و حلش کنیم؟

کچونکian: نه، اینکه سرمایه‌گذاران و برنامه‌ریزان روی آن برنامه‌ریزی کنند، برای آن ورزشگاه بسازند و بخش زیادی از جوانان امروز جذب آن شوند، اتفاق جدیدی است.

معیدفر: نقد من این است که در رویکردهای موجود، نگاه به آسیب‌های اجتماعی، اجتماعی نیست، صداسویم مسئله را تقلیل می‌دهد به اینکه محقق، بیمار است؛ درصورتی‌که اگر می‌گوییم آسیب اجتماعی، یعنی در یک فرایند اجتماعی به این وضع درآمده است. رویکرد دیگر این است که باید برنامه‌های فراغتی برای جوانان را با ایجاد ورزشگاه و امور تفریحی و... داشته باشیم و برایش هزینه شود. این کارها خوب است، ولی باز عملاً مشکل ما ورزش و فراغت نیست. مسئله نقش‌هایی است که آدم‌ها درگیر آن می‌شوند و به‌واسطه آن نقش‌هاست که فراغت اهمیت پیدا می‌کند و فرد احساس غرور می‌کند و احساس می‌کند فرد مؤثری است. اینکه در تلویزیون انواع و اقسام خنده‌بازار و کذا و کذا باشد راهکار افسردگی جوانان و باقی مردم است؟ می‌تواند کمی در قضیه مداخله کند؟ نه چون شادی یک امر جمعی است و مشکلات مردم از پشت تلویزیون حل نمی‌شود. مردم باید ضمن درگیرشدن در فعالیت‌های جمعی، احساس شادی را به دست آورند. یک مشکل دیگر هم داریم، نمی‌رویم اقدامات ادبایی جوانان را که همین حالا هست تقویت کنیم، اصرار داریم خدومان جشش‌ها را راه بیندازیم و فلان کار را کنیم تا به نتیجه برسیم و مسئله‌ای را به جامعه تحمیل کنیم، تنها کاری که باید بکنیم، این است که وارد پروسه اجتماعی شویم؛ باید ایده و راه‌حل مشکل را از خود جامعه بگیرید.

کتجربه جهانی هم همین را می‌گوید؟ **معیدفر:** بله، دقیقاً همین‌طور است؛ یعنی عملاً دولت‌ها زمانی می‌توانستند مؤثر باشند که روندهای موجود در جامعه را به‌خوبی شناسایی کنند و در چارچوب همان حرکت کنند. **ک**چونکian: با عرض معذرت من فکر می‌کنم دقیقاً درباره همه این مسائل‌کی که فرمودید، ساعت‌ها بحث شده و بحث می‌شود، اما همان‌طور که عرض کردم، هنوز چیزی نهایی نشده که بخواهد سیاست کلی باشد.

ک همین که الان بحثش می‌شود نشان می‌دهد ما عقب هستیم، موافق نیستید؟ **ک**چونکian: ما جهان سوم هستیم، اصولاً مقداری در همه چیزها عقب هستیم.

معیدفر: ولی مردم جلو هستند، ما عقب هستیم. **ک**چونکian: مردم در همین جامعه زندگی می‌کنند و من تأکید دارم همه مواردی که می‌فرمایند را مدنظر قرار داده‌ایم؛ مثلاً درباره حاشیه‌نشینی، درست است که برنامه‌ریزان حریصی را برای شهرها قرار داده‌اند، اما رشد

پیدا کرده و با هجوم مردم مواجه شده و در این موارد برنامه‌ریزان عقب ماندند، این حرف شما درست است، اما به این معنا نیست که ما ساختارها را در نظر نمی‌گیریم. در بحث حاشیه‌نشینی باید شهر و حاشیه‌های آن خود را به سطح یکسانی برسانند، اما چطور می‌تواند این مهم به دست آید؟ تصور ما این است که باید به یک‌سری موارد اورزانشی تجزیه شود که اولاً وضعیت موجود متوقف شود، دوما در مرحله بعد آرام‌آرام به سمتی برود که شما می‌فرمایید. در نتیجه ما مجبور هستیم که ابتدا یک‌سری کارهای اورزانشی را انجام دهیم. آیا می‌توانیم همه‌چیز را متوقف کنیم تا زیرساخت‌ها را به حد مطلوب برسانیم؟ نه چون موقعی هم هست؛ موقعی که شاید نیاز است در چند نسل آرام‌آرام رفع شود. شاید ۵۰ سال وقت بخواهد. مسئله این است که الان چه کنیم؟ الان به این نتیجه رسیدهایم که باید از جایی شروع کنیم. شاید خیلی از این برنامه‌انریزش نباشد و در آینده غلط‌بودن آن آشکار شود، اما عمل‌کردن بهتر از عمل‌نکردن است.

کطبق تئکهای که آقای معیدفر گفتند، شما فرمودید شاید ۵۰ سال زمان نیاز است برای رسیدن به وضعیت مطلوب، اما ساختارها و جوشنی که در خود جامعه اتفاق می‌افتد، نشان می‌دهد پایپاش هست، چه چیزی نیاز دارد؟ فقط باید حمایت شود؟

کچونکian: برای نمونه الان تلاش می‌کنیم موانع پیشروی سازمان‌های مردمنهاد را برداریم.

کجرامی گویند ۵۰ سال زمان نیاز دارد؟

کچونکian: شاید ۱۰۰ سال، شاید دو یا سه نسل نیاز است؛ چون فرهنگ است.

کذهنی حرف نزنیم، مثال عینی می‌توان زد.

کچونکian: عینی حرف می‌زنم؛ مثلاً صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی را نگاه کنید، الان خیلی فعال هستند و خیلی خانواده‌ها هستند که آن را دارند. حالا فردا بگویید این را صندوقی کنید که به جوان‌های محله وام بدهند. مثال است و در مثال مناقشه نیست. آیا فکر می‌کنید می‌تواند یک‌روزه اتفاق افتد؟ به گمان من نیاز است که چندین سال روی این کار شود.

ک مثال سختی زدید. در این حوزه وزارت ورزش و جوانان کاری کرده؟

طلایی: مثلاً در حوزه ورزش اگرچه ما مسئولیتی نداریم، اما اتفاقات مختلفی در ورزش همگانی و قهرمانی اتفاق می‌افتد و شاهد ورود بخش خصوصی و سازمان‌های مردمنهاد و تلاش آنها برای کاهش آسیب‌ها در این مسیر هستیم. اینها نیاز به هماهنگی و هم‌فکری، مطالعه و تحقیق دارد و شاهد ورود دانشگاه‌ها و اساتدان هستیم و کمک هم می‌کنیم، شما گفتید چرا ۵۰ سال. چرا فکر می‌کنید زیان است؟ وقتی می‌خواهید ساختارها را درست کنید خیلی سال زمان می‌برد.

ک من می‌گویم همان‌طور که آقای معیدفر می‌گویند، عرصه را باز بگذاریم، مثال بزنم؛ تعدادی جوان در فلان‌جا می‌خواهند شب شعر برگزار کنند، هزار مانع برای آنها می‌گذارند. تلاش هم خیلی ساده است.

طلایی: من با ایشان موفق هستم و با ایشان هم همراهی می‌کنم، ولی موقعیت و مشکلات بخش دولتی را هم می‌دانم. در بحث آسیب‌های اجتماعی یک مشکل اساسی داریم و آن این است که رویکرد ما به آسیب‌ها غلط بوده است. اصلاً تا چند سال پیش جرئت نمی‌کردیم راجع به آسیب‌ها حرف نزنیم، چون نظام تضعیف می‌شد. این یک مسئله مهم است که الان به دست آوردیم که می‌توان درباره واقعیت وضعیت کشور و مشکلات حرف زد. قبلاً آماری بود واقعی نبود؛ به‌ویژه در آن دوره هفت، هشت ساله معروف، ما که سر خدومان کلاه نمی‌گذاریم، جامعه خدومان است؛ اینکه دولت و حکومت صادقانه مشکلات را مطرح می‌کند و رهبر انقلاب هم پشت آن می‌ایستند و همه بای کار می‌ایستند، پیشرفت بزرگی است، اما کافی نیست. قبول دارم تغییر بگش‌ها به این سادگی اتفاق نمی‌افتد، ولی نسبت به مقوله آسیب‌های اجتماعی بسیار نیاز به زمان داریم. در این موارد نیاز به واقع‌بینی داریم و نباید این مسائل را مثل یک مترسک بر سر یک عده بزنیم

یا سوءاستفاده سیاسی کنیم، من معتقدم قالب‌هایی از پیش تعیین شده وجود دارد که با آنها مانوس هستیم یعنی نقیض آن‌ها را روشن‌های قبلی با آسیب‌ها مواجه شد و اصلاً این نگرش که با آسیب‌های اجتماعی برخورد کنیم، غلط است. درعین‌حال، نقاط قوت خوبی در جامعه ما وجود دارد؛ اینکه خانواده‌ها، هنوز عامل خوبی در کنترل آسیب‌هاست درخور توجه است. اگر مراقب همین عوامل خوب باشیم و نگرش‌ها‌مان را اصلاح نکنیم، روند پیشرفت جدمان‌ها و جامعه دچار ضلوع بیشتری می‌شود. درعین‌حال ما آیین‌های سنتی و مذهبی خوبی داریم که روی آنها کم کار شده و می‌تواند مرجع تحرکات اجتماعی خوبی باشد؛ درحالی‌که امروز در دنیا، این‌های مذهبی غیراصیل درست می‌کنند که بتوانند با آن این‌های مذهبی، خیلی از مشکلات اجتماعی خود را حل کنند. ما محدوداً یک مذهبی خیلی خوبی داریم. کاربری ما محدود است و به سمت اینها نمی‌رویم که مشکلات آسیب‌های اجتماعی مردم را به صحنه بیاوریم و حل‌شان کنیم.

ک آقای معیدفر نکته پایانی را شما بگویید.

معیدفر: خانواده در گذشته، خانواده هسته‌ای یعنی پدر، مادر و فرزند نبوده است، خانوادهای بوده که در خویشاوندان، قوم و قبیله و طایفه ادغام می‌شده است. اساساً دیگر خانواده با آن تعاریف قبلی از بین رفته و امروز دیگر آن نقش‌ها و کارکردها از میان رفته است و بنابراین ما عقب هستیم، اما هنوز هم نمی‌دانیم همین خانواده فعلی چقدر مهم است و چقدر می‌تواند نقش داشته باشد و درعین‌حال خانواده کتر، یعنی ملت و کشور چقدر اهمیت دارد.

خبر

خطر انتقال ایدز

در اردوگاه‌های ترک اعتیاد

● **ایسنا:** رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران، اجرای برنامه مراکز ماده ۱۶ را خودسرانه خواند و تأکید کرد: خدماتی که مراکز کاهش آسیب گذری ارائه می‌کنند، استاندارد نیستند و کیفیت آنها باید به میزان زیادی افزایش پیدا کند. دکتر مینو محرز با بیان اینکه سال‌هاست در کشورهای اروپایی این سبک از جمع‌آوری معتادان منسوخ شده، اظهار کرد: ما از ابتدای اجرای این برنامه با آن مخالف بودیم؛ چراکه معمولاً درمان‌ها در این مراکز استاندارد نیست، معتادان در بعضی اردوگاه‌ها درمان می‌شوند و در برخی خبر، کسی که اعتیاد دارد باید خودش بخواهد رغبت داشته باشد برای درمان مراجعه کند؛ افزود: کاهش آسیب با زندانی‌کردن دور در نمی‌آید. قطعاً در اردوگاه‌های ترک اعتیاد بیماری‌های عفونی ایجاد می‌شوند، چون برخی از معتادان قبل از دستگیری مبتلا به «ای‌وی مثبت» هستند. رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران، افزایش مراکز کاهش آسیب گذری را برای این منظور ضروری دانست و گفت: برای انجام این کار باید مراکز کاهش آسیب گذری را ارتقا دهیم و کیفیت آنها را نیز افزایش دهیم. درحال‌حاضر اعتیاد، از مواد اعتیادآور قدیمی مانند هرویین و... به مواد روان‌گردان تغییر کرده که نیازمند درمان متفاوتی است. در نتیجه برای این دسته از معتادان می‌توانیم مراکز درمان زیر نظر متخصص روان‌پزشک داشته باشیم؛ چراکه به بستری نیاز دارند. وی تأکید کرد: اجرای برنامه مراکز ماده ۱۶ خودسرانه بود و طبق قانونی که وضع شده بود، اجرا نشد. خدماتی که مراکز کاهش آسیب گذری ارائه می‌کنند، استاندارد نیست و کیفیت آنها باید به میزان زیادی افزایش پیدا کند. زمانی‌که باید کیفیت این مراکز را بالا می‌برند، سیاست تغییر کرد و بودجه به راه‌اندازی مراکز ماده ۱۶ تخصیص داده شد.

مدیرکل زندان‌های استان تهران تغییر کرد

● **شرق:** علی اصغر جهانگیر، در احکام جداگانه‌ای، سهراب سلیمانی (مدیر کل زندان‌های استان تهران) را به سمت سرپرست معاونت امنیتی و انتظامی سازمان زندان‌ها و مصطفی محبی را به‌عنوان مدیر کل جدید زندان‌های استان تهران منصوب نمود. در بخشی از حکم سهراب سلیمانی آمده است: نظر به تجارب مفید و ارزشمند جناب‌عالی در سالیان خدمت در عرصه مسائل زندانبانی کشور، به موجب این ابلاغ به عنوان سرپرست معاونت امنیتی و انتظامی منصوب می‌شوید. امید است با استعانت از خداوند متعال و تحت توجعات حضرت ولی‌عصر (عج) و به‌کارگیری توان علمی و تجربی تمامی مدیران و همکاران، تساهل عظمی در حصول اهداف عالیه سازمان ایفا کنید. با انتصاب سهراب سلیمانی به سرپرستی معاونت امنیتی و انتظامی، دکتر جهانگیر در حکم دیگری مصطفی محبی را به عنوان مدیرکل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان تهران منصوب کرد. مصطفی محبی پیش از این معاون قضائی دادستان تهران بود.

۱۰هزارو ۵۰۰ تماس مرتبط با کودک‌آزاری

● **ايلنا:**رئیس اورژانس اجتماعی کشور گفت: ۱۰هزارو ۵۰۰ تماس مرتبط با کودک‌آزاری در سال ۹۴ داشتیم. حسین اسدیبیکي با بیان اینکه در سال ۹۴ حدود ۳۵ هزار نفر در سراسر کشور به صورت حضوری در مراکز مداخله در بحران پذیرش شدند، گفت: همچنین ۷۷۰ هزار نفر با سامانه ۱۲۳ اورژانس اجتماعی تماس گرفتند که حدود ۱۴۰ هزار تماس مرتبط با وظایف اورژانس اجتماعی بوده است.او با اشاره به مراجعه حدود ۱۱۲ هزار نفر به خدمات سیار اورژانس اجتماعی، ادامه داد: ۱۰هزارو ۵۰۰ تماس از تماس‌های مرتبط با وظایف این اورژانس در سال ۹۴ مربوط به کودک‌آزاری بوده است که این تعداد فقط ۷.۵ درصد از تماس‌ها را تشکیل داده است، همچنین حدود ۱۰هزارو ۷۵۰ مورد از مراجعات به تیم خدمات سیار نیز مربوط به کودک‌آزاری بوده است. بیش از دوهزارو ۵۰۰ نفر درباره موضوع کودک‌آزاری نیز به مراکز مداخله در بحران مراجعه کرده‌اند.اسدیبیکي درباره آمار تماس‌های مرتبط با همسرآزاری در سال گذشته نیز اظهار کرد: هفت‌هزارو صد بار با سامانه ۱۲۳ تماس گرفته شده که حدود پنج درصد از تماس‌های گرفته‌شده بوده است. سه‌هزارو ۵۵۰ نفر نیز در ارتباط با همسرآزاری به تیم خدمات سیار مراجعه کرده یا تیم به آنها در محل مراجعه کرده است. هزارو ۵۵۰ نفر هم به‌صورت حضوری به مراکز مداخله در بحران ما به‌دلیل همسرآزاری مراجعه کرده‌اند.رئیس اورژانس اجتماعی کشور با اشاره به دو هزار تماس گرفته‌شده با سامانه ۱۲۳ درباره خودکشی، خاطرنشان کرد: این تعداد فقط ۱.۵ درصد از تماس‌های مرتبط با وظایف اورژانس اجتماعی را تشکیل داده است. حدود هزارو ۷۰۰ نفر نیز به تیم خدمات سیار ما مراجعه کرده و ۶۶۰ نفر نیز به‌صورت حضوری به‌دلیل موضوع خودکشی به مراکز مداخله در بحران مراجعه کردند.